

لازم الاجرا شدن قانون موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان از تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۵

بخشنامه

قانون موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان و پروتکل مربوطه مصوب 1388 / 8 / 26 مجلس شورای اسلامی که از تاریخ 1388 / 11 / 5 (مطابق با 2010 / 1 / 25 میلادی) به طور همزمان در هر دو کشور لازم الاجراء گردیده و مقررات آن در مورد آن قسمت از درآمد و سرمایه ای که از اول فروردین 1389 (مطابق با 2010 / 3 / 21 میلادی) در ایران و اول ژانویه 2011 میلادی (برابر با یازدهم دی ماه 1389 هجری خورشیدی) در آذربایجان حاصل می شود یا موجود است، نافذ می باشد، جهت اجراء و اقدام لازم ارسال می گردد.

مقتضی است به کلیه واحدهای مالیاتی تابعه آن اداره کل ابلاغ فرمایند که مفاد قانون موصوف را نسبت به عملکرد سالهای مالی بعد از لازم الاجرا شدن این قانون، در مورد اتباع و مقیمین آذربایجان و اتباع و مقیمین دولت متبوع حسب مورد رعایت نموده و در پایان هر سه ماه آمار و اطلاعات مربوط به مؤدیان مالیاتی منتفع از مقررات مزبور شامل منبع مالیاتی، مشخصات مؤدی و میزان مالیات مرتبط با مقررات مزبور را تهیه و به دفتر فنی مالیاتی و قراردادهای بین المللی این معاونت ارسال نمایند.

امیرحسین علی حکیم
معاون فنی و حقوقی

وزارت امور اقتصادی و دارائی
سازمان امور مالیاتی کشور

با سلام

بازگشت به نامه شماره 69284 / 211 / ص مورخ 1388 / 10 / 19 و پیرو رونوشت یادداشت شماره 641501 / 641 مورخ 1388 / 11 / 11، به پیوست تصویر نامه شماره 5816 / 6 - 220 مورخ 1388 / 12 / 4 سفارت جمهوری اسلامی ایران - باکو به انضمام تصویر یادداشت شماره 348 / 3 / 10 - 5 مورخ 12 فوریه 2010 وزارت امور خارجه جمهوری آذربایجان و ترجمه فارسی آن مبنی بر لازم الاجرا شدن موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بر درآمد بین دو کشور جهت ملاحظه و اقدام مقتضی ارسال می گردد.

حسین پناهی آذر
مدیر کل حقوقی بین المللی

جناب آقای انصاری
مدیر کل محترم همکاریهای اقتصادی

با سلام

احتراماً به پیوست تصویر یادداشت دریافتی از وزارت امور خارجه جمهوری آذربایجان مبنی بر وصول یادداشت این سفارت در خصوص موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و لازم الاجرا شدن موافقتنامه مزبور جهت اطلاع و هر گونه اقدام مقتضی ایفاد می گردد.

محمد باقر بهرامی
سفیر جمهوری اسلامی ایران

شماره: 641 / 641501

تاریخ: 1388 / 11 / 03

پیوست:

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با اظهار تعارفات خود به سفارت جمهوری آذربایجان در تهران بازگشت به یادداشت 09 / 03 / 1284 - 11 / 5 مورخ 25 مه 2009، احتراماً اشعار می دارد:

تشریفات تصویب موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان و پروتکل ضمیمه آن، از سوی مراجع ذیربط جمهوری اسلامی ایران به پایان رسیده است.

این موافقتنامه طبق ماده 28 آن، از تاریخ دریافت این یادداشت لازم الاجراء خواهد شد. موجب امتنان خواهد بود وصول آن را اعلام نمایند.

موقع را مغتنم شمرده، احترامات فائقه را تجدید می نماید.

سفارت جمهوری آذربایجان - تهران

حسین پناهی آذر
مدیرکل حقوقی بین المللی

شماره: 180669

تاریخ: 1388 / 09 / 22

پیوست:

وزارت امور اقتصادی و دارایی

قانون موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان که در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ بیست و ششم آبان ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هشت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ 1388 / 9 / 4 به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره 331 / 45766 مورخ 1388 / 9 / 11 مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است به پیوست جهت اجراء ابلاغ می گردد.

محمود احمدی نژاد
رئیس جمهور

موافقتنامه

بین دولت جمهوری اسلامی ایران

و

دولت جمهوری آذربایجان

به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان

با تمایل به انعقاد موافقتنامه ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه به شرح زیر توافق نمودند:

ماده 1_ اشخاص مشمول موافقتنامه

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم یکی از دولتهای متعاقد یا هر دو آنها باشند.

ماده 2_ مالیاتهای موضوع موافقتنامه

1_ این موافقتنامه شامل مالیات بر درآمد و مالیات بر سرمایه است که صرفنظر از نحوه اخذ آنها از سوی هر دولت متعاقد یا مقامات محلی آنها وضع می‌گردد.

2_ مالیات بر درآمد و سرمایه عبارت است از کلیه مالیاتهای بر کل درآمد و کل سرمایه یا اجزای درآمد و سرمایه از جمله مالیات عواید حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیر منقول، مالیات بر کل مبالغ دستمزد یا حقوق پرداختی توسط مؤسسات و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه.

3_ مالیاتهای موجود مشمول این موافقتنامه به ویژه عبارتند از:

الف: در مورد جمهوری اسلامی ایران:

مالیاتهای بر درآمد؛

– مالیات بر دارایی.

(که از این پس “مالیات جمهوری اسلامی ایران” نامیده می شود) ؛

ب: در مورد جمهوری آذربایجان:

– مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی؛

– مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی؛

مالیات بر دارایی؛

– مالیات بر اراضی؛

(که از این پس “مالیات آذربایجان” نامیده می شود) .

4_ این موافقتنامه شامل مالیاتهایی که نظیر یا در اساس مشابه مالیاتهای موجود بوده، مطابق با تعریف بند 1 این ماده طبقه بندی شده و بعد از تاریخ امضای این موافقتنامه به آنها اضافه و یا به جای آنها وضع شود نیز خواهد بود. مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد یکدیگر را از هر تغییری که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود، مطلع خواهند نمود.

ماده 3_ تعارف کلی

1_ از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضا نماید:

الف: اصطلاح "یک دولت متعاقد" و "دولت متعاقد دیگر" بنابر اقتضای سیاق متن به "جمهوری اسلامی ایران" یا "جمهوری آذربایجان" اطلاق می شود.

ب: "مالیات" اطلاق می شود به هر گونه مالیات مشمول ماده 2 این موافقتنامه.

پ: "شخص" اطلاق می شود به شخص حقیقی، شرکت و هر مجموعه دیگری از افراد.

ت: "شرکت" اطلاق می شود به هر شخص حقوقی یا هر واحدی که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می شود.

ث: "دفتر ثبت شده" به مفهوم دفتر مرکزی ثبت شده طبق قوانین مربوط هر دولت متعاقد می باشد.

ج: "مؤسسه یک دولت متعاقد" و "مؤسسه دولت متعاقد دیگر" به ترتیب به مؤسسه ای که به وسیله مقیم یک دولت متعاقد و

مؤسسه ای که به وسیله مقیم دولت متعاقد دیگر اداره می گردد، اطلاق می شود.

چ: "حمل و نقل بین المللی" به هرگونه حمل و نقل توسط کشتی، قایق، وسایط نقلیه هوایی، یا جاده ای اطلاق می شود که توسط

مؤسسه یک دولت متعاقد انجام می شود، به استثنای مواردی که کشتی، قایق، وسایط نقلیه هوایی یا جاده ای صرفاً برای حمل و

نقل بین نقاط واقع در دولت متعاقد دیگر استفاده شود.

ح: "مقام صلاحیندار":

- در مورد جمهوری اسلامی ایران به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز او اطلاق می شود،

- در مورد جمهوری آذربایجان به وزارت دارایی و وزارت مالیاتها اطلاق می شود.

خ: اصطلاح "تبعه" اطلاق می شود به:

هر شخص حقیقی که تابعیت یک دولت متعاقد را داشته باشد؛

هر شخص حقوقی، مشارکت یا انجمنی که وضعیت قانونی خود را از قوانین جاری در یک دولت متعاقد کسب نماید.

2_ در اجرای این موافقتنامه توسط یک دولت متعاقد هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، دارای معنای بکار رفته در قوانین آن

دولت متعاقد راجع به مالیاتهای موضوع این موافقتنامه است، بجز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه ای دیگر باشد.

ماده 4_ مقیم

1_ از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح "مقیم یک دولت متعاقد" به هر شخصی اطلاق می شود که به موجب قوانین آن دولت از

حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل ثبت، محل مدیریت یا به جهات مشابه دیگر مشمول مالیات آن دولت باشد و همچنین این

اصطلاح شامل آن دولت یا مقام محلی خواهد بود. با وجود این اصطلاح مزبور شامل شخصی نخواهد بود که صرفاً بلحاظ

سرمایه و یا کسب درآمد از منابع واقع در آن دولت مشمول مالیات آن دولت می شود.

2_ در صورتی که حسب مقررات بند 1 این ماده، شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین

خواهد شد:

الف: او مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن، محل سکونت دائمی در اختیار دارد. اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در

اختیار داشته باشد، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن علایق شخصی و اقتصادی بیشتری دارد (مرکز منافع حیاتی).

ب: هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد یا چنانچه او در هیچ یک از دو دولت محل سکونت

دائمی در اختیار نداشته باشد، مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا بسر می برد.

پ: هرگاه او معمولاً در هر دو دولت متعاهد بسر برد یا در هیچ یک بسر نبرد، مقیم دولتی تلقی می‌شود که تابعیت آنرا دارد.
ت: هرگاه او تابعیت هیچ یک از دو دولت متعاهد را نداشته باشد و یا در صورتی که نتوان براساس بندهای فوق او را مقیم یکی از دولتهای متعاهد تلقی کرد موضوع با توافق مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد حل و فصل خواهد شد.

3_ در صورتی که حسب مقررات بند 1 شخصی غیر از شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاهد باشد آن شخص مقیم دولتی تلقی خواهد شد که دفتر ثبت شده وی در آن واقع است.

ماده 5_ مقرر دایم

1_ از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح "مقرر دایم" به محل ثابت کسب و کار اطلاق می‌شود که از طریق آن مؤسسه یک دولت متعاهد کلاً یا جزئاً در دولت متعاهد دیگر به کسب و کار اشتغال دارد.

2_ اصطلاح "مقرر دایم" به ویژه شامل موارد زیر است:

الف: محل اداره،

ب: شعبه،

پ: دفتر،

ت: کارخانه

ث: کارگاه،

ج: معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف استخراج یا بهره‌برداری از منابع طبیعی.

3_ کارگاه ساختمانی، پروژه ساخت، سوار کردن و یا نصب ساختمان یا فعالیت‌های مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن "مقرر دایم" محسوب می‌شوند ولی فقط در صورتی که این کارگاه، پروژه یا فعالیتها بیش از (12) ماه استقرار یا ادامه داشته باشد.

4_ علی‌رغم مقررات قبلی این ماده، اصطلاح "مقرر دایم" شامل موارد زیر تلقی نخواهد شد:

الف: استفاده از تسهیلات صرفاً به منظور انبار کردن، نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به مؤسسه.

ب: نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش.

پ: نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه صرفاً به منظور فرآوری آنها توسط مؤسسه دیگر.

ت: نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس یا گردآوری اطلاعات برای آن مؤسسه.

ث: نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور انجام تبلیغات تهیه اطلاعات تحقیقات علمی و یا سایر فعالیت‌هایی که دارای

جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

ج: نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور ترکیبی از فعالیت‌های مذکور در جزء های (الف) تا (ث) به شرط آنکه فعالیت

کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیب، دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

5_ علی‌رغم مقررات بندهای 1 و 2 در صورتی که شخصی غیر از عاملی که دارای وضعیت مستقل بوده و مشمول بند 6 است در

یک دولت متعاهد از طرف مؤسسه‌ای فعالیت کند و دارای اختیار انعقاد قرار داد بنام آن مؤسسه باشد و اختیار مزبور را به

طور معمول اعمال کند آن مؤسسه در مورد فعالیت‌هایی که این شخص برای آن انجام می‌دهد، در آن دولت دارای مقرر دایم تلقی

خواهد شد مگر آنکه فعالیت‌های شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند 4 باشد، که در این صورت آن فعالیت‌ها چنانچه

از طریق محل ثابت کسب و کار نیز انجام گیرند به موجب مقررات بند مذکور، این محل ثابت کسب و کار را به مقر دایم تبدیل نخواهد کرد.

6_ مؤسسه یک دولت متعاهد صرفاً به سبب آنکه در یک دولت متعاهد دیگر از طریق حق‌العملکار، دلال یا هر عامل مستقل دیگری به انجام امور می‌پردازد، در آن دولت دیگر دارای مقر دایم تلقی نخواهد شد مشروط بر آنکه عملیات اشخاص مزبور در جریان عادی کسب و کار آنان صورت گیرد. معذالک، هرگاه فعالیت‌های چنین عاملی به طور کامل یا تقریباً کامل به آن مؤسسه تخصیص یافته باشد، از لحاظ مفهوم این بند او به عنوان عامل دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

7_ صرف اینکه شرکت مقیم یک دولت متعاهد، شرکت مقیم و یا فعال در دولت متعاهد دیگر را کنترل می‌کند و یا تحت کنترل آن قرار دارد یا در آن دولت دیگر فعالیت تجاری انجام می‌دهد (خواه از طریق مقر دایم و خواه به نحو دیگر) به خودی خود برای اینکه یکی از آنها مقر دایم دیگری محسوب شود، کافی نخواهد بود.

ماده 6_ درآمد حاصل از اموال غیر منقول

1_ درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاهد دیگر از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری مشمول مالیات آن دولت دیگر خواهد بود.

2 - در این موافقتنامه، اصطلاح “اموال غیر منقول” دارای همان تعریفی است که در قوانین دولت متعاهدی که اموال مزبور در آن قرار دارد، آمده است. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیر منقول، احشام و اسباب و ادوات مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات قوانین عام راجع به مالکیت اراضی در مورد آنها اعمال می‌گردد، حق انتفاع از اموال غیر منقول و حقوق مربوط به پرداختهای ثابت یا متغیر در ازای کار یا حق انجام کار، ذخایر معدنی، چاههای نفت یا گاز، معدن سنگ و سایر محل‌های استخراج منابع طبیعی از جمله الوار یا سایر محصولات جنگلی خواهد بود. کشتی‌ها، قایق‌ها، وسایط نقلیه هوایی یا جاده‌ای به عنوان اموال غیرمنقول محسوب نخواهند شد.

3_ مقررات بند 1 این ماده نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از اموال غیر منقول جاری خواهد بود.

4_ مقررات بندهای 1 و 3 این ماده در مورد درآمد ناشی از اموال غیر منقول مؤسسه و درآمد ناشی از اموال غیر منقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد شد.

ماده 7_ درآمدهای تجاری

1_ درآمد مؤسسه یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر اینکه این مؤسسه از طریق مقر دایم واقع در دولت متعاهد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد. چنانچه مؤسسه از طریق مزبور به کسب و کار بپردازد درآمد آن مؤسسه فقط تا حدودی که مرتبط با مقر دایم مذکور باشد، مشمول مالیات دولت دیگر می‌شود.

2_ با رعایت مقررات بند 3 این ماده، در صورتی که مؤسسه یک دولت متعاهد از طریق مقر دایم واقع در دولت متعاهد دیگر

فعالیت نماید، آن مقر دایم در هریک از دو دولت متعاهد دارای درآمدی تلقی می‌شود که اگر به صورت مؤسسه‌ای متمایز و مجزا و کاملاً مستقل از مؤسسه‌ای که مقر دایم آن است به فعالیت‌های نظیر یا مشابه در شرایط نظیر یا مشابه اشتغال داشت، می‌توانست تحصیل کند.

3_ در تعیین درآمد مقر دایم، هزینه‌های قابل قبول از جمله هزینه‌های اجرایی و هزینه‌های عمومی اداری که مطابق با قوانین ملی دولت مربوطه هر گاه مقر دایم مؤسسه‌ای مستقل می‌بوده، قابل کسر بود، تا حدودی که این هزینه‌ها برای مقاصد آن مقر دایم تخصیص یافته باشند، کسر خواهد شد، اعم از آنکه در دولتی که مقر دایم در آن واقع شده است، انجام پذیرد یا در جای دیگر.

4_ چنانچه در یک دولت متعاهد روش متعارف برای تعیین درآمد قابل تخصیص به مقر دایم براساس تسهیم کل درآمد مؤسسه به بخشهای مختلف آن باشد، مقررات بند 2 مانع بکاربردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاهد، برای تعیین درآمد مشمول مالیات نخواهد شد. در هر حال نتیجه روش تسهیمی متخذه باید با اصول این ماده تطابق داشته باشد.

5_ صرف آنکه مقر دایم برای مؤسسه جنس یا کالا خریداری می‌کند موجب منظور داشتن درآمد برای آن مقر دایم نخواهد بود.

6_ درآمد منظور شده برای مقر دایم سال به سال به روش یکسان تعیین خواهد شد، مگر آنکه دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.

7_ در صورتی که درآمد شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه‌ای دارد، مفاد این ماده خدشه‌ای به مقررات آن مواد وارد نخواهد آورد.

ماده 8_ حمل و نقل بین المللی

درآمد حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاهد بابت استفاده از کشتی‌ها، قایق‌ها، وسایط نقلیه هوایی یا جاده‌ای (از جمله نگهداری یا اجاره بار گنج‌ها (کانتینرها) و کشتنده‌ها یا سایر تجهیزات مربوطه برای حمل و نقل بار گنج‌ها (کانتینرها) یا کشتنده‌ها) در حمل و نقل بین المللی فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده 9_ مؤسسات شریک

1_ در صورتی که:

الف: مؤسسه یک دولت متعاهد به طور مستقیم یا غیر مستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه دولت متعاهد دیگر مشارکت داشته باشد،

یا

ب: اشخاصی واحد به طور مستقیم یا غیر مستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه یک دولت متعاهد و مؤسسه دولت متعاهد دیگر مشارکت داشته باشند

و شرایط مورد توافق یا مقرر در روابط تجاری یا مالی بین این دو مؤسسه، متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه درآمدی که باید عاید یکی از این مؤسسات می‌شد، ولی به علت آن شرایط عاید نشده است می‌تواند جزء درآمد آن مؤسسه منظور شده و مشمول مالیات متعلقه شود.

2_ در صورتی که یک دولت متعاهد درآمدهایی که در دولت متعاهد دیگر بابت آنها از مؤسسه آن دولت متعاهد دیگر مالیات اخذ شده، جزء درآمدهای مؤسسه خود منظور و آنها را مشمول مالیات کند، و درآمد مزبور درآمدی باشد که چنانچه شرایط استقلال بین دو مؤسسه حاکم بود، عاید مؤسسه دولت نخست می‌شد، در این صورت آن دولت دیگر در میزان مالیات متعلقه بر آن درآمد تعدیل مناسبی بعمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی سایر مقررات این موافقتنامه باید لحاظ شود و مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند کرد.

ماده 10_ سود سهام

1_ سود سهام پرداختی توسط شرکت مقیم یک دولت متعاهد به مقیم دولت متعاهد دیگر مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

2_ مع ذلک، این سود سهام ممکن است در دولت متعاهدی که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی در صورتی که دریافت کننده، مالک منافع سود سهام باشد، مالیات متعلقه از 10 درصد مبلغ ناخالص سود سهام تجاوز نخواهد کرد.

این بند تاثیری بر مالیات شرکتی که از محل درآمد آن سود سهام مزبور پرداخت می‌شود نخواهد داشت.

3 - اصطلاح "سود سهام" در این ماده اطلاق می‌شود به درآمد حاصل از سهام، سهام موسسین یا سایر حقوق (به استثنای مطالبات دیون، مشارکت در منافع) و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شراکتی که طبق قوانین دولت محل اقامت شرکت تقسیم کننده درآمد، مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می‌گردد.

4_ هرگاه مالک منافع سود سهام، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقر دایم واقع در آن به فعالیت شغلی بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاهد دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به طور مؤثر مرتبط با این مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای 1 و 2 جاری نخواهد بود. در این صورت، مقررات مواد 7 یا 14، حسب مورد، مجری خواهد بود.

5_ در صورتی که شرکت مقیم یک دولت متعاهد منافع یا درآمدی از دولت متعاهد دیگر تحصیل کند، آن دولت متعاهد دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد (به غیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن دولت دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به طور مؤثر مرتبط با مقر دایم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاهد دیگر باشد) و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد، حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت دیگر تشکیل شود.

ماده 11_ هزینه های مالی

1_ هزینه های مالی حاصل در یک دولت متعاهد که به مقیم دولت متعاهد دیگر پرداخت شده مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

2_ مع ذلک، این هزینه‌های مالی ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل شده و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه دریافت کننده، مالک منافع هزینه‌های مالی باشد، مالیات متعلقه از 10 درصد مبلغ ناخالص هزینه‌های مالی تجاوز نخواهد کرد.

3_ اصطلاح "هزینه‌های مالی" به نحوی که در این ماده بکار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دینی اعم از آنکه دارای وثیقه و یا متضمن حق مشارکت در منافع بدهکار باشد یا نباشد، و به خصوص درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه شامل حق بیمه و جوایز متعلق به اوراق بهادار، اوراق قرضه یا سهام قرضه مزبور اطلاق می‌گردد. جریمه‌های تاخیر تادیه از لحاظ این ماده هزینه‌های مالی محسوب نخواهد شد.

4_ علی‌رغم مقررات بند 2، هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاهد که توسط دولت متعاهد دیگر، سایر مؤسسات دولتی، بانک مرکزی و سایر بانکهایی که کلاً (100 درصد) متعلق دولت متعاهد دیگر می‌باشند، کسب می‌شوند، از مالیات دولت نخست معاف خواهد بود.

5_ هرگاه مالک منافع هزینه‌های مالی مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگری که هزینه‌های مالی در آنجا حاصل شده از طریق مقر دایم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد یا در دولت متعاهد دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و مطالبات دینی که هزینه‌های مالی از بابت آن پرداخت می‌شود به طور مؤثر مربوط به این مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای 1 و 2 این ماده اعمال نخواهد شد. در این صورت حسب مورد، مقررات مواد 7 یا 14 مجری خواهد بود.

6_ هزینه‌های مالی در صورتی حاصل شده در یک دولت متعاهد تلقی خواهد گردید که پرداخت کننده خود دولت، مقام محلی، یا فردی مقیم آن دولت باشد. مع ذلک، در صورتی که شخص پرداخت کننده هزینه‌های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاهد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاهد و در ارتباط با دینی که هزینه‌های مالی به آن تعلق می‌گیرد دارای مقر دایم یا پایگاه ثابت بوده و پرداخت این هزینه‌های مالی بر عهده آن مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت چنین تلقی خواهد شد که هزینه‌های مالی مذکور در دولت متعاهد محل وقوع مقر دایم یا پایگاه ثابت حاصل شده است.

7_ در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ هزینه‌های مالی که در مورد مطالبات دینی پرداخت می‌شود از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر یک از دولتهای متعاهد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده 12_ حق امتیازها

1_ حق امتیازهایی که در یک دولت متعاهد حاصل و به مقیم دولت متعاهد دیگر پرداخت شده مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.

2_ مع ذلک، این حق امتیازها ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل شده طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه دریافت کننده، مالک منافع حق امتیاز باشد، مالیات متعلقه بیش از 10 درصد مبلغ ناخالص حق امتیاز نخواهد بود.

3_ اصطلاح "حق امتیاز" در این ماده به هر نوع وجوه دریافت شده در ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلمهای سینمایی و نوارهای رادیویی و تلویزیونی، هرگونه حق انحصاری اختراع، علامت

تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرآیند سری، یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی (دانش فنی) اطلاق می‌شود.

4_ هرگاه مالک منافع حق امتیاز، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر که حق امتیاز حاصل می‌شود از طریق مقر دایم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد، یا در دولت متعاهد دیگر از طریق پایگاه ثابت خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که حق امتیاز نسبت به آنها پرداخت می‌شود به طور موثری با این مقر دایم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته باشد، مقررات بندهای 1 و 2 اعمال نخواهد شد. در این صورت حسب مورد، مقررات مواد 7 یا 14 مجری خواهد بود.

5_ حق امتیاز در یک دولت متعاهد در صورتی حاصل شده تلقی خواهد شد که پرداخت کننده خود آن دولت، مقامی محلی یا فردی مقیم آن دولت باشد. مع ذالک در صورتی که شخص پرداخت کننده حق امتیاز (خواه مقیم یک دولت متعاهد باشد یا نباشد) در یک دولت متعاهد دارای مقر دایم یا پایگاه ثابتی باشد که حق یا اموال موجد حق امتیاز به نحوی مؤثر با آن مقر دایم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته و پرداخت حق امتیاز بر عهده مقر دایم یا پایگاه ثابت مذکور باشد، حق امتیاز در دولت متعاهدی حاصل شده تلقی خواهد شد که مقر دایم یا پایگاه ثابت مزبور در آن واقع است.

6_ چنانچه به سبب وجود رابطه‌ای خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها با شخص دیگری، مبلغ حق امتیازی که با در نظر گرفتن استفاده، حق یا اطلاعاتی که بابت آنها حق امتیاز پرداخت می‌شود، از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر مجری خواهد بود. در اینگونه موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر یک از دولتهای متعاهد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده 13_ عواید سرمایه ای

1_ عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال اموال غیر منقول مذکور در ماده 6 که در دولت متعاهد دیگر قرار دارد، مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

2_ عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقر دایم مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر می‌باشد، یا اموال منقول متعلق به پایگاه ثابتی که در اختیار مقیم یک دولت متعاهد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاهد دیگر می‌باشد، شامل عواید ناشی از نقل و انتقال مقر دایم (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه) یا پایگاه ثابت مزبور، مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

3_ عواید حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاهد از نقل و انتقال کشتی‌ها، قایق‌ها، وسایل نقلیه هوایی یا جاده ای مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی‌ها، قایق‌ها، وسایل نقلیه هوایی و جاده ای فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که دفتر ثبت شده مؤسسه در آن واقع است.

4_ عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال سهام یا سایر حقوق شراکتی در شرکتی که دارای آن به طور مستقیم یا غیر مستقیم عمدتاً از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاهد دیگر تشکیل شده است، مشمول مالیات آن دولت می‌شود.

5_ عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای 3، 2، 1 و 4 فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی که انتقال دهنده مقیم آن است، خواهد بود.

ماده 14_ خدمات شخصی مستقل

1_ درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد به سبب خدمات حرفه‌ای یا سایر فعالیت‌های مشابه مستقل فقط در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود. مگر آنکه این شخص به منظور ارائه فعالیت‌های خود به طور منظم پایگاه ثابتی در دولت متعاهد دیگر در اختیار داشته باشد که در این صورت این درآمد فقط تا حدودی که مربوط به آن پایگاه ثابت باشد، مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر خواهد بود.

2_ اصطلاح "خدمات حرفه‌ای" به ویژه شامل فعالیت‌های مستقل علمی ادبی، هنرپرورشی یا آموزشی و همچنین فعالیت‌های مستقل پزشکان، مهندسان وکلای دادگستری، دندانپزشکان معماران، حساب‌برسان و حسابداران می‌باشد.

ماده 15_ خدمات شخصی غیر مستقل

1_ با رعایت مقررات مواد 16، 18، 19 و 20 این موافقتنامه حقوق، مزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه‌ای که مقیم یک دولت متعاهد به سبب استخدام دریافت می‌دارد فقط مشمول مالیات همان دولت می‌باشد مگر آنکه استخدام در دولت متعاهد دیگر انجام شود که در این صورت حق‌الزحمه حاصل از آن مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

2_ علی‌رغم مقررات بند 1 این ماده، حق‌الزحمه مقیم یک دولت متعاهد به سبب استخدامی که در دولت متعاهد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت نخست خواهد بود مشروط بر آنکه:

الف: جمع مدتی که دریافت کننده در یک یا چند نوبت در دولت دیگر بسر برده است از 183 روز در دوره دوازده ماهه‌ای که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می‌یابد تجاوز نکند، و
ب: حق‌الزحمه توسط یا از طرف کارفرمایی که مقیم دولت دیگر نیست پرداخت شود، و
پ: پرداخت حق‌الزحمه بر عهده مقر دایم یا پایگاه ثابتی نباشد که کارفرما در دولت دیگر دارد.

3_ علی‌رغم مقررات یادشده در این ماده، حق‌الزحمه دریافتی در زمینه استخدام در کشتی، قایق، وسایط نقلیه هوایی یا جاده‌ای مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که دفتر ثبت شده مؤسسه در آن واقع است.

ماده 16_ حق‌الزحمه مدیران

حق‌الزحمه مدیران و پرداخت‌های مشابه دیگری که مقیم یک دولت متعاهد بلحاظ سمت خود به عنوان عضو هیات مدیره شرکت مقیم دولت متعاهد دیگر تحصیل می‌نماید، مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

ماده 17_ هنرمندان و ورزشکاران

1_ درآمدی که مقیم یک دولت متعاهد به عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند تاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون، یا موسیقیدان، یا به عنوان ورزشکار بابت فعالیتهای شخصی خود در دولت متعاهد دیگر حاصل می‌نماید، علی‌رغم مقررات مواد 14 و 15 مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

2_ در صورتی که درآمد مربوط به فعالیتهای شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود به آن هنرمند یا ورزشکار تعلق نگرفته و عاید شخص دیگری شود، آن درآمد صرف نظر از مقررات مواد 7، 14 و 15 مشمول مالیات دولت متعاهدی می‌شود که فعالیتهای هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می‌گردد.

3_ درآمدی که هنرمند یا ورزشکار بابت فعالیتهای خود در چارچوب موافقتنامه فرهنگی میان دو دولت متعاهد تحصیل می‌نماید از شمول بندهای 1 و 2 این ماده مستثنی می‌باشد.

ماده 18_ حقوق بازنشستگی

1_ با رعایت مفاد بند 2 ماده 19، حقوق بازنشستگی و سایر وجوه مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاهد به ازای خدمات گذشته فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده 19_ خدمات دولتی

1_

الف: حقوق، دستمزد و سایر حق الزحمه‌های مشابه، به استثنای حقوق بازنشستگی، پرداختی توسط یک دولت متعاهد یا مقام محلی آن به شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت یا مقام محلی فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.
ب: معذالک، این حق الزحمه‌ها فقط مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر خواهد بود، مشروط بر آنکه خدمات در آن دولت دیگر انجام شود و شخص حقیقی مقیم آن دولت:
- تابع آن دولت بوده، یا
- صرفاً برای ارایه خدمات مزبور مقیم آن دولت نشده باشد.

2_

الف: هر گونه حقوق بازنشستگی پرداختی توسط و یا از محل صندوق ایجاد شده از طرف یک دولت متعاهد یا مقام محلی آن به فردی در خصوص خدماتی که برای آن دولت یا مقام محلی مزبور انجام داده است، فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.
ب: معذالک، در صورتی که شخص حقیقی مقیم و تبعه آن دولت دیگر باشد، حقوق بازنشستگی مزبور فقط در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود.

3_ در مورد حقوق و مقرری‌های بازنشستگی بابت خدمات ارایه شده در خصوص فعالیتهای تجاری که یک دولت متعاهد یا مقام محلی آن انجام می‌دهد مقررات مواد 15، 16، 17 و 18 مجری خواهد بود.

ماده 20_ محصلین

1_ وجوهی که محصل یا کارآموزی که بلافاصله قبل از دیدار از یک دولت متعاهد مقیم دولت متعاهد دیگر بوده و صرفاً به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت نخست بسر می‌برد برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می‌دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر نخواهد بود، مشروط بر آنکه پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود.

ماده 21_ سایر درآمد

1_ ارقام درآمد مقیم یک دولت متعاهد که در مواد قبلی این موافقتنامه مورد حکم قرار نگرفته است، در هر کجا که حاصل شود، صرفاً مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

2_ به استثنای درآمد حاصل از اموال غیر منقول به نحوی که در بند 2 ماده 6 تعریف شده است، هرگاه دریافت کننده درآمد، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر از طریق مقر دایم واقع در آن به کسب و کار بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و درآمد حاصله با این مقر دایم یا پایگاه ثابت به نحو موثری مرتبط باشد، مقررات بند 1 مجری نخواهد بود. در این صورت حسب مورد مقررات مواد 7 یا 14 اعمال خواهد شد.

ماده 22_ سرمایه

1_ سرمایه متشکل از اموال غیر منقول مذکور در ماده 6 که متعلق به مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر واقع شده، مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

2_ سرمایه متشکل از اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقر دایمی که مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر دارد، می‌باشد یا اموال منقولی که متعلق به پایگاه ثابتی است که در اختیار مقیم یک دولت متعاهد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاهد دیگر می‌باشد، مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

3_ سرمایه متشکل از کشتی‌ها، قایق‌ها، وسایط نقلیه هوایی یا جاده‌ای مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی و همچنین اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی‌ها، قایق‌ها، وسایط نقلیه هوایی یا جاده‌ای فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که دفتر ثبت شده مؤسسه در آن واقع است.

4_ کلیه موارد دیگر سرمایه مقیم یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده 23_ آیین حذف مالیات مضاعف

1_ در صورتی که مقیم یک دولت متعاهد درآمدی حاصل کند یا سرمایه‌ای داشته باشد که طبق مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر شود، دولت نخست اجازه خواهد داد:

الف: مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در آن دولت دیگر از مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود،

ب: مبلغی برابر با مالیات بر سرمایه پرداختی در آن دولت متعاهد دیگر از مالیات بر سرمایه آن مقیم کسر شود.

معدالک، در هریک از دو مورد، اینگونه کسورات نباید از میزان مالیات بر درآمد یا سرمایه ای که پیش از کسر، حسب مورد به درآمد یا سرمایه ای که در آن دولت دیگر تعلق می‌گرفته، بیشتر باشد.

2 در صورتی که طبق هریک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل یا سرمایه متعلق به مقیم یک دولت متعاهد از مالیات آن دولت معاف باشد، دولت مزبور می‌تواند علی‌رغم معافیت، در محاسبه مالیات بر باقی مانده درآمد یا سرمایه این مقیم، درآمد یا سرمایه معاف شده را منظور کند.

ماده 24_ عدم تبعیض

1_ اتباع یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر، مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن که سنگین تر یا غیر از مالیات یا الزاماتی است که اتباع دولت دیگر تحت همان شرایط مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علی‌رغم مقررات ماده 1، این مقررات شامل اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاهد نیستند نیز خواهد بود.

2_ مالیاتی که از مقرر دایم مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر اخذ می‌شود نباید از مالیات مؤسسات آن دولت متعاهد دیگر که همان فعالیت‌ها را انجام می‌دهند نامساعدتر باشد.

3_ مؤسسات یک دولت متعاهد که سرمایه آنها کلاً یا جزئاً به طور مستقیم یا غیر مستقیم در مالکیت یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاهد دیگر می‌باشد، در دولت نخست مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن که سنگینتر یا غیر از مالیات و الزاماتی است که سایر مؤسسات مشابه در آن دولت نخست مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

4_ به جز در مواردی که مقررات بند 1 ماده 9، بند 7 ماده 11 یا بند 6 ماده 12 اعمال می‌شود، هزینه‌های مالی، حق الامتیاز و سایر هزینه‌های پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعاهد به مقیم دولت متعاهد دیگر از لحاظ تعیین میزان درآمد مشمول مالیات آن مؤسسه تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که چنانچه به مقیم دولت نخست پرداخت شده بود. همچنین هرگونه دین مؤسسه یک دولت متعاهد به مقیم دولت متعاهد دیگر از لحاظ تعیین میزان سرمایه مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که اگر دین مزبور به مقیم دولت نخست پرداخت می‌شد.

5 این مقررات به گونه ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را ملزم نماید که هر نوع مزایای شخصی، بخشودگی و تخفیف مالیاتی را که به علت احوال شخصیه یا مسئولیت های خانوادگی به اشخاص مقیم خود اعطاء می نماید به اشخاص مقیم دولت متعاهد دیگر نیز اعطاء کند.

ماده 25_ آیین توافق دو جانبه

1_ در صورتی که شخصی مقیم یک دولت متعاهد بر این نظر باشد که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاهد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با مقررات این موافقتنامه نمی‌باشد، صرفنظر از طرق احقاق حق پیش بینی شده در قوانین داخلی دولتهای مزبور، می‌تواند اعتراض خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مشمول بند 1 ماده 24 باشد به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که تبعه آن است، تسلیم نماید. اعتراض باید ظرف سه سال از تاریخ نخستین اطلاع از اقدامی که به اعمال مالیات مغایر با مقررات این موافقتنامه منتهی شده تسلیم شود.

2_ اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی خود نتواند به راه حل مناسبی برسد، برای اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی‌باشد، خواهد کوشید که از طریق توافق متقابل با مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر موضوع را فیصله دهد.

3_ مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد تلاش خواهند کرد که کلیه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را با توافق دو جانبه فیصله دهند و همچنین می‌توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقتنامه پیش بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

4_ مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد می‌توانند به منظور حصول توافق در موارد بندهای پیشین مستقیماً با یکدیگر ارتباط حاصل کنند. مقامات صلاحیتدار با مشورت یکدیگر، آیین‌ها شرایط، روش‌ها و فنون دو جانبه مقتضی را برای اجرای آیین توافق دو جانبه مندرج در این ماده فراهم می‌آورند.

ماده 26_ تبادل اطلاعات

1_ مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد اطلاعات ضروری برای اجرای مقررات این موافقتنامه یا برای اجرای قوانین داخلی دولتهای متعاقد غیر مغایر با این موافقتنامه را که مربوط به مالیاتهای مشمول این موافقتنامه باشد، مبادله خواهند کرد. مفاد ماده 1 و 2 موجب تحدید تبادل اطلاعات مزبور نمی‌شود. هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاقد دریافت می‌شود، به همان شیوه‌ای که اطلاعات بدست آمده تحت قوانین داخلی آن دولت نگهداری می‌شود به صورت محرمانه تلقی خواهد شد و فقط برای اشخاص یا مقامات از جمله دادگاهها و مراجع اداری که به امر تشخیص، وصول، اجرا یا پیگیری اشتغال دارند یا در مورد پژوهش خواهیهای مربوط به مالیاتهای مشمول این موافقتنامه تصمیم‌گیری می‌کنند، فاش خواهد شد. اشخاص یا مقامات یاد شده اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنان می‌توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی‌های علنی دادگاهها یا طی تصمیمات قضایی فاش سازند.

2_ مقررات بند 1 در هیچ مورد به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را وادار سازد:
الف: اقدامات اداری خلاف قوانین و رویه اداری خود یا دولت متعاقد دیگر اتخاذ نماید.
ب: اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا روش اداری متعارف خود یا دولت متعاقد دیگر قابل تحصیل نیست.
پ: اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه‌ای یا فرآیند تجاری شود یا افشای آن خلاف خط مشی عمومی (نظم عمومی) باشد.

ماده 27_ اعضای هیاتهای نمایندگی و مناصب کنسولی

مقررات این موافقتنامه بر امتیازات مالی اعضای هیاتهای نمایندگی و ماموریتهای سیاسی یا مناصب کنسولی که به موجب قواعد عمومی حقوق بین الملل یا مقررات موافقتنامه‌های خاص از آن برخوردار می‌باشند، تأثیری نخواهد گذاشت.

ماده 28_ لازم الاجرا شدن

1_ هر یک از دولتهای متعاقد با ارائه یادداشت کتبی طرف دیگر را از طریق مجاری سیاسی از تکمیل مراحل مقرر در قوانین خود جهت لازم الاجرا شدن این موافقتنامه مطلع خواهد نمود.

2_ این موافقتنامه از تاریخ دریافت آخرین اطلاعیه لازم الاجرا خواهد شد و مقررات آن در مورد آن قسمت از درآمد و سرمایه ای که در اول سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه قوت قانونی یافته است یا بعد از آن حاصل می شود یا موجود است، نافذ خواهد بود.

ماده 29_ فسخ

این موافقتنامه تا زمانی که توسط یک دولت متعاهد فسخ نشده لازم الاجرا خواهد بود. هریک از دولتهای متعاهد می تواند این موافقتنامه را از طریق مجاری سیاسی، با ارایه یادداشت فسخ، حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره پنج ساله از تاریخی که موافقتنامه لازم الاجرا می گردد، فسخ نماید. در این صورت این موافقتنامه در مورد آن قسمت از درآمد و سرمایه ای که در اول سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت فسخ تسلیم شده است یا بعد از آن موجود باشد یا حاصل شود، اعمال نخواهد شد.

این موافقتنامه در تهران در دو نسخه در تاریخ 20 اسفند 1387 هجری شمسی برابر با 10 مارس 2009 میلادی به زبانهای فارسی، آذربایجانی و انگلیسی تنظیم گردید که هر سه متن از اعتبار یکسان برخوردار است. در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

امضاءکنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود مجاز می باشند این موافقتنامه را امضاء نمودند.

از طرف دولت	از طرف دولت
جمهوری آذربایجان	جمهوری اسلامی ایران

پروتکل

به هنگام امضای موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای پر درآمد و سرمایه بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، امضا کنندگان زیر در مورد مقررات زیر که جزء لاینفک موافقتنامه مزبور می باشد توافق نمودند.

1_ در مورد جزء (ح) بند 1 ماده 3 (مقام صلاحیتدار)، چنین برداشت می شود که اعلان و یا معرفی مقام صلاحیتدار ایرانی به هر یک از مقامات صلاحیتدار آذربایجانی کفایت می کند.

2_ در مورد مواد 28 و 29، سال تقویمی مطابق با قوانین ملی دو دولت متعاهد در جمهوری اسلامی ایران در روز یکم فروردین (21 مارس) و در جمهوری آذربایجان روز یکم ژانویه (11 دی) آغاز می شود.

این پروتکل در تهران در دو نسخه در تاریخ 20 اسفند 1387 هجری شمسی برابر با 10 مارس 2009 میلادی به زبانهای فارسی، آذربایجانی و انگلیسی تنظیم گردید که هر سه متن از اعتبار یکسان برخوردار است. در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

امضاءکنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود مجاز می باشند این پروتکل را امضاء نمودند.

از طرف دولت	از طرف دولت
جمهوری آذربایجان	جمهوری اسلامی ایران